

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

۱	مقدمه
بخش اول	
۳	درآمدی بر دیدگاه‌های کلامی، فلسفی و عرفانی در توصیف موسیقی
۴	پیشگفتار
۶	تنزیه و تشبیه
۱۱	۱. دیدگاه‌های کلامی
۱۲	معتزله
۱۶	اخوان‌الصفاء
۲۱	اشاعره
۲۶	شیعه
۲۹	جمع‌بندی دیدگاه‌های کلامی
۳۳	۲. دیدگاه‌های حکمی و فلسفی
۳۳	حکمت مشاء
۳۸	حکمت اشراق
۴۳	حکمت متعالیه
۴۵	جمع‌بندی دیدگاه‌های حکمی و فلسفی
۵۰	۳. دیدگاه‌های عرفانی
۵۱	الف. دوره‌ی نخستین
۵۳	ب. دوره‌ی نظم و کمال
۵۴	ابوحیان توحیدی
۵۹	شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین سهروردی

۶۰	محمی الدین ابن عربی
۶۳	مولویه
۶۶	ج. دوره‌ی شرح و تعلیم
۶۷	سعدی
۶۸	حافظ
۶۹	نمود اندیشه‌های عرفانی در زمینه‌ی موسیقی در اشعار فارسی
		جمع‌بندی دیدگاه‌های عرفانی و مقایسه‌ی آن با دیدگاه‌های
۷۲	کلامی و فلسفی

بخش دوم

دیدگاه جوانان امروز ایران در زمینه‌ی آراء فلسفی و عرفانی

۷۹	مرتب‌بند به موسیقی
۸۰	مقدمه
۸۱	مطالعه‌ی میدانی
۸۲	نتایج مطالعه‌ی میدانی در گستره‌ی عمومی
۸۲	۱. ارتباط موسیقی با افلاک
۸۴	۲. تشابه آدمی به سازی در دست پروردگار
۸۵	۳. موسیقی به‌عنوان واسطه‌ی انتقال پیام بین آفریدگار و انسان
۸۶	۴. هنرهای صوتی شریف‌تر از هنرهای بصری
۸۸	۵. اوقات تغنی
۸۹	بحث

بخش سوم

چالش تفاوت نگاه

۹۳	مقدمه
۹۴	جوان امروز ایران در مواجهه با استیلای نگاه علمی-مادی غرب
۹۵	شیوه‌ی کل‌نگر در مقابل شیوه‌ی جزءنگر
۹۶	ادراک دوری و خطی از زمان
۹۷	شرافتِ علوم
۱۰۰	جنبه‌های کاربردی آراء فلاسفه
۱۰۱	سخن پایانی
۱۰۱	منابع
۱۰۴	نمایه
۱۰۹	

اسلوب عقلی روش مشترک استدلال در «کلام» و «فلسفه» است که آن را می‌توان مهمترین زمینه‌ی اشتراک آن‌ها قلمداد کرد. البته آن‌چه موجب شکاف اصلی این دو از هم می‌شود آن است که «کلام» برخلاف فلسفه در موضوعات الهی و شریعتی، از روش نقلی نیز بهره‌مند می‌شود. استفاده‌ی همزمان از استدلال و شیوه‌ی نقلی باعث شده که روش کار متکلمان در توسعه‌ی دانش شیوه‌ای «تلفیقی» یعنی «تعبدی» و «تعقلی» باشد. روش نقلی که بر اساس مستندات تاریخی سخن و اقوال پیشینیان را بهره‌برداری می‌کند، از بنیان‌های اصلی کار اهل کلام است. مهم‌تری منابع متکلمان در روش نقلی کتاب و سنت است. استفاده از روش تلفیقی در بسیار از مسائل پیش‌روی اهل کلام بسیار مؤثر است به‌عنوان مثال، در اصل ضرورت روز داوری میان حق و باطل که در شریعت به آن «معاد» گفته می‌شود هم برهان‌های عقلی راه‌گشاست و هم کتاب‌الله.

در حوزه‌ی تفکر اسلامی چند فرقه و گرایش عمده‌ی کلامی در طول تاریخ اسلام پدید آمده است که سه گرایش عمده در میان آن‌ها عبارت‌اند از: «اشاعره»، «معتزله» و «شیعه». در این بخش هریک از این حوزه‌های تفکری را به شکل خلاصه بررسی می‌کنیم و اثرگذارترین متفکران آن به‌ویژه آن دسته که آراء قابل توجهی در زمینه‌ی موسیقی داشته‌اند معرفی خواهند شد.

معتزله

اعتزال به معنای «کناره‌گیری» است. معتزله فرقه‌ای کلامی به پیشوایی واصل‌بن عطا (۸۰-۱۳۱ هـ.ق) بودند.^۱ «معتزله به اصحاب العدل و التوحید شهرت یافتند و مُلقَّب به عدلیه و قدریه نیز بودند.» (شهرستانی ۱۴۰۴: ۴۲). معتزله با مبنای خردگرایی به مخالفت با اهل حدیث و بسیاری از نظریات ایشان پرداختند.

۱. در فرهنگ اسلام، دو گروه به این نام خوانده شده‌اند. پس از آنکه امام علی علیه‌السلام به خلافت رسید، عبدالله بن عمر، محمد بن مسلمه انصاری، اسامه بن زید و سعد بن ابی وقاص از امام کناره‌گیری کردند. آن‌ها، از سستی با او و نیز از همراهی و حمایت از وی در جنگ‌ها خودداری کردند. این دسته را معتزله خواندند و دلیل این نام‌گذاری، کناره‌گیری‌شان از امام و امت اسلامی بود. گروه دیگری که به معتزله معروف شدند، دسته‌ای از متکلمان به پیشوایی واصل بن عطا بودند (برنجکار ۱۳۷۴: ۱۰۹). این گروه همان معتزله‌ی معروف هستند و سخن ما در اینجا درباره همین فرقه کلامی است.

ملاصدرا از مفهوم «سماع باطنی» (شنیدنِ درونی) یاد می‌کند. این «سماع» از نظر او می‌تواند پنج حس باطنی را بگشاید و موجب درک جهان غیر محسوس با حواس ظاهری بشود. به عقیده‌ی او حقیقت موسیقی همین شنیدن صدای ظاهری «ساز» نیست، بلکه در اصل، استماع خطاب «الست بریکم» است.^۱ ملاصدرا به شنونده نسبت به بی‌توجهی به این سماع هشدار می‌دهد و معتقد است که شنونده باید بی‌واسطه از حق بشنود و بر این عقیده است که هنگام استماع موسیقی، در واقع خداوند با انسان حرف می‌زند نه موسیقی‌دان (زاهدی ۱۳۷۷: ۱۵۱).

تعبیرهایی که صدرالمآلهین درباره‌ی رقص دارد، ناظر به این معناست که او همچون فیلسوفان هنر معاصر، رقص را همچون یک هنر تلقی می‌کند و استفاده از عنوانِ صناعت برای رقص و نیز ذکر آن به‌همراه با هنرهایی نظیر نوازندگی، این نکته را تأیید می‌کند. ملاصدرا بر این باور است که حرکات رقص با وجود تضاد و تباینی که با یکدیگر دارند از هماهنگی و وحدت ویژه‌ای برخوردارند؛ یعنی قبض و بسط اعضای بدن یا چپ و راست نمودن آن‌ها و سرعت و کندی حرکات، همه و همه مجموعه‌ای از حرکات منظم و متناسب را به نمایش می‌گذارند که زیبایی خاص آن موجب ایجاد شادی در بیننده می‌شود. ملاصدرا، وحدت تألیفی و غیرحقیقی مجموعه حرکات رقص را سایه‌ای از یک وحدت طبیعی می‌داند. گرچه او به این مسئله تصریح نکرده، لیکن به نظر می‌رسد وحدت طبیعی مورد نظر او، همان وحدتی است که از ناحیه‌ی نفس فاعل در حرکات متناسب، ایجاد می‌شود و اگر چنین نبود، با طبع ناظر سازگار نمی‌شد و در او حالت تنافر ایجاد می‌کرد (المبدأ و المعاد، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴).

Shiraz-Beethoven.ir جمع‌بندی دیدگاه‌های حکمی و فلسفی

تلقی کردن موسیقی به‌عنوان یکی از بخش‌های حکمت نظری و گنجاندن آن در زیر شاخه‌های علوم وسطی یا ریاضی نکته‌ی اصلی بحث فلاسفه در

۱. اشاره به آیه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی اعراف که مفسران در تفسیر آن می‌گویند خداوند پیش از خلقت از انسان‌ها گواهی گرفته است و آنها هم به خداوندی او شهادت داده‌اند (آیا خدای شما نیستیم؟ گفتند بلی شهادت می‌دهیم).

از سه چهارم جمعیت جوان مورد مطالعه در این پژوهش که اهل موسیقی هم هستند به نوعی قائل به ارتباط موسیقی با کائنات هستند.

۲. تشابه آدمی به سازی در دست پروردگار

از جمله مهم ترین باورهای عرفانی در حوزه ی فرهنگی ایران آن است که عارف نقطه ی تسلیمی بیش در مقابل معشوق مطلق نیست و بر این اساس مانند سازی در دست معشوق است. عارف خرسند از آن است که پذیرای هر نغمه ای از جانب معشوق مطلق باشد. به عنوان دومین موضوع مورد تفحص در این مطالعه ی میدانی، این باور عرفانی با سؤال زیر مورد پرسش قرار گرفت: «عقیده ای عرفانی وجود دارد که بر اساس آن آدمی مانند سازی در دست پروردگار است و او هر نغمه ای را که بخواهد با این ساز می نوازد». سپس از شرکت کنندگان خواسته شد تا نظر خود را با انتخاب یکی از گزینه های پنج گانه ارائه شده معین کنند. جدول زیر انواع گزینه های پنج گانه ارائه شده به همراه درصد انتخاب آن ها توسط جوانان را به نمایش می گذارد.

درصد پاسخ های
مثبت جوانان

گزینه های انتخابی

۱۶ %

الف. کاملاً موافقم.

۳۰ %

ب. گاهی اوقات انسان مانند سازی در دست پروردگار است و گاهی نیست، بستگی به موقعیت و شرایط روحی او دارد.

۱۰ %

ج. برخی عارفان به صورت سازی در دست پروردگار هستند و این خاصیت برای همه ی انسان ها وجود ندارد.

۳۱ %

د. کاملاً با این ایده مخالفم.

۱۳ %

هـ. نظر دیگری دارم.

برخلاف این که دیدگاه پاسخ دهندگان در سؤال قبل بسیار به هم

خود و جامعه‌ی غرب مواجه است. از یک سو تنفس در فضای اجتماعی ایران که اصول حاکم علمی در آن بهره از حکیمان و عارفان قدیم ایران دارد و در آن سمبل حکیم «شیخ‌الرئیس ابن‌سینا» است و راز بودن را «مولوی» و «حافظ» می‌دانند برای او ارزش‌هایی را ایجاد کرده است؛ و از سوی دیگر عشق به تکنولوژی، آزادی و تجربه‌ی شیوه‌ی زندگی و نگاه دیگران، او را شیفته‌ی غرب کرده است.

جوان امروز ایرانی زمانی که خانه را ترک می‌کند سخت‌ترین کار را خروج از شبکه اجتماعی و پست الکترونیک خود می‌داند. او در زمان خروج مردد می‌شود، یک‌بار دیگر نظرهای احتمالی پُست‌های خود را بازبینی می‌کند، و کنجکاوانه به دنبال آن است که ببیند نظر دیگران در سایر نقاط عالم در مورد پُستِ آخر او چه بوده است. به همین دلیل قبل از خروج از خانه مطمئن می‌شود که تلفن همراه خود را برداشته و امکان اتصال مجدد به شبکه جهانی برای او باقی است یا خیر. او به تدریج به صورت مجازی عالمی خارج از دنیای پیرامون خود را تجربه می‌کند که به نظر توسعه‌یافته‌تر، و آزادانه‌تر می‌آید. ذهن او جستجوگرانه به دنبال نزدیک شدن به انسان‌های آن دیار و درک ساختار ذهنی آن‌ها حرکت می‌کند. او باهوش است و متوجه تفاوت نگاه به پدیده‌ها بین انسان‌های پیرامون خود و آنجا می‌شود. او ذهنی دارد که به شکلی ایرانی ساختاریافته و پدیده‌ها را نگاه می‌کند و به دنبال سعادت است، او سعی می‌کند مشی انسان‌های جامعه‌ی دوردست که توسعه‌یافته‌تر هستند را برای رشد و ترقی در پیش گیرد. ذهن او ناخودآگاه پدیده‌ها را از کل به جزء جستجو می‌کند، او تمرین برای متخصص شدن به شیوه‌ی جزءنگرانه را آغاز می‌کند اما همواره در تشویش باقی می‌ماند که آیا «کاری در حال انجام آن هستم مرا اغنا خواهد کرد». ذهن او به دنبال آن است که دریابد که کار او چه جایگاهی در تابلوی بزرگ عالم دارد؛ در عمل او الگوی رشد را از سرزمینی توسعه‌یافته برداشته که چنین سؤالی در ذهن متخصص او شکل نمی‌گیرد. از این نقطه چالش ذهنی جوان ما آغاز می‌شود. از یک سو او رشد کند جامعه‌ی خود و